

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/04/02



موضوع: کتاب الطهارة/تغسیل المیت /بحث و تحقیق درباره‌ی متمامات وجوب غسل مسّ میت و مساله اول از این باب

بحث و تحقیق درباره‌ی متمامات وجوب غسل مسّ میت

سید طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند ولا فرق فی المیت بین المسلم والکافر والکبیر والصغیر ، حتی السقط إذا تم له أربعة أشهر، بل الأحوط الغسل بمسه ولو قبل تمام أربعة أشهر أيضاً وإن کان الأقوی عدمه.^[1] می فرماید فرقی ندارد در مس میت که آن میت صغیر باشد یا کبیر باشد بلکه گفته می شود که صغیر باشد یا کبیر باشد حتی السقط. حتی آن میت طفلی باشد که سقط شده باشد البته به شرط اینکه چهار ماه شده باشد از تحقق آن نطفه مربوط به آن طفل. اگر آن طفل به اصطلاح عوام در رحم مادر چهار ماهه شده باشد و سقط بشود و آن طفل میت به حساب بیاید و مس آن طفل بعد از سرد شدن و قبل از تغسیل، غسل مس میت دارد.

کلام فقهاء در سقط طفل

این مطلب را که تا اینجا گفتیم در این رابطه خلاقی دیده نمی شود و مطلب قریب به مجمّع علیه و حدّ اقل لاخلاف فیه. از باب مثال علامه حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید که اگر طفل چهار ماهش شده باشد و ساقط بشود همان مساله غسل مس میت زمینه پیدا می کند.^[2] در این رابطه رأی علامه حلی را فهمیدید. خود محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه

همین مطلب را بیان می کند که اگر طفل ساقط شده چهارماهه باشد ترتیب اثر داده می شود، این اثری که الان بحث می کنیم یعنی غسل مس میت دارد. [3] صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه طبق محقق حلی فرمودند و تعبیر صاحب جواهر را بلدید که الإجماع بقسمیه یا ما أجد خلافاً فيه. علی الأقل خلافی در این مساله وجود ندارد و بعد می فرماید لتناول الأدلة له. برای اینکه آن ادله وجوب غسل نسبت به مس میت اینجا شامل می شود و این میت هست و مس آن موجب غسل مس میت می شود. [4] سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید که در این رابطه حکم همین هست که گفته شد برای اینکه صدق میت می کند بعد از ولوج روح. طفل بعد از ولوج روح که روح دمیده شود میت هست دیگر. همان میتی که در خارج یک فردی از دنیا برود میت است و طفلی که بعد از چهارماه بمیرد و ساقط بشود همان میت است و فرق نمی کند. [5]

تعریف میت فقهاً و عرفاً

میت از خودش تعریفی دارد و انسان است که بعد از چهارماهش شده باشد و روح در آن دمیده شده باشد و انسان بوده و روح دارد و از دنیا رفته است.

نکته - جنین شناسی-

در مورد چهارماهه بودن طفل که فقه فرموده است طفل زنده می شود و روح به او دمیده می شود این را تحقیق کردیم از اهل خبره. از آشنایان به علوم پزشکی و جنین شناسی. از متخصص آناتومی سوال کردم شخصاً خودم کهاستاد دانشگاه هم هست در تهران. ایشان فرمودند بله از لحاظ علمی دقیق جنین شناسی گفته می شود که طفل بعد از چهارماهگی به تحرکات پاسخ می دهد یعنی چه؟ یعنی زنده می شود و بعد گفت که مادر در چهار ماهگی احساس نمی کند ولی در پنج ماهگی تحرکاتش را احساس می کند و این چیزی بوده که فقه فرموده و از نظر علم هم به اثبات رسیده و شبهه در کار وجود ندارد. نکته ای را که شما به آن توجه می کنید و بدرد شما خطباء می خورد این است که آن روزی که فقه اعلام کرد که طفل در چهارماهگی ذی روح می شود و ولوج روح در چهارماهگی محقق می شود نه آزمایشی بود و نه تحقیقاتی بود و نه خبری بود. الان با این پیشرفت تاریخ معاصر کشف شد که گفتم از متخصص جنین شناسی که شاگرد من در بحث تربیت و اخلاق و فقه بود و خودش استاد دانشگاه بوده است. طبق نظر علم پزشکی جنین شناسی جنین در 4 ماهگی به تحرکات پاسخ می دهد یعنی زنده می شود درست همان چیزی که فقه قبلاً اعلام کرده است. ببینید فقه ما چه فقهی هست. معجزه و عظمت و علمی که در فقه هست گفته ایم که یادتان نرود که فقه مادر کل علوم انسانیست. یک فقیه که جامع علوم فقهی هست در دنیای بشر در هیچ زاویه ای کم نمی آورد. چون این فقه است. فقه مائده فقه امام صادق. این سفره سفره ای امام صادق علیه السلام هست و قدرش را بدانید.

پس اگر طفل چهار ماهه بود و ساقط شد. ولوج روح دارد و ولوج روح که داشته باشد میت انسان هست و همان اثر را دارد و مس آن موجب موجب غسل مس میت می شود که سیدنا الاستاد در همان منبع به اختصار فرمودند که موجب حیات می شود و خودش یک

انسان هست و فوتش یک میت به حساب می آید و مس میت هست.

بعد از این عدم خلاف حدأقل بعد از این نفی خلاف که می توانیم از نفی خلاف هم مطلب را بالا ببریم و إجماع اعلام کنیم ولی با تنازل اجماع نمی گوییم بلکه نفی خلاف اعلام می کنیم. علاوه بر این نفی خلاف و مضافاً بر این تحلیلی که گفته شد نصوصی هم در این رابطه داریم که به دو مورد از نصوص اشاره کنیم.

متن روایت: وعن المفید، عن الصدوق، عن محمد بن الحسن، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ذکره قال: إذا أتم السقط أربعة أشهر غسل وقال: إذا تم له ستة أشهر فهو تام، وذلك أن الحسين بن علي ولد و هو ابن ستة أشهر. [6] وعن المفید، عن الصدوق، عن محمد بن الحسن. این حدیث از این سند از آن سندهای مشایخی هست. شیخ مفید از شیخ صدوق نقل می کند. عن محمد بن الحسن. این محد بن الحسن شیخ طوسی نیست چون شیخ صدوق که از شیخ طوسی نقل نمی کند. محمد بن الحسن از مشایخ شیخ صدوق هست. محمد بن الحسن بن الولید هست. شیخ شیخ صدوق هست و فوق اعتبار. عن أحمد بن إدريس که توثیق دارد عن محمد بن أحمد بن یحیی که از محدثین قمی که مورد توثیق هست عن أحمد بن محمد بن محمد عیسی که از أجلاء و ثقات هست عن ذکره. این مشکل شد. سند شد مرسل. قال: إذا أتم السقط أربعة أشهر غسل. فرمود که اگر طفل چهارماهه بشود غسل بر او واجب می شود. درباره طفل چهارماهه آمد که این زنده است. این انسان است و میت انسان است و غسل داده شود و احکام میت را دارد و غسل مس میت هم به آن طفل سقط شده بعد از چهارماهه مترتب می شود.

نکته - مثبتات أماره حجة دارد

این نکته را هم در ذهنتان گرفتید که گفتیم مثبتات اصول حجیت ندارد و مثبتات أماره اعتبار و حجیت دارد. دلیلش چه بود؟ دلیلش این است که مدرک اعتبار أماره عقلائی و شرعیست و مدرک اعتبار أصل، فقط تعبد است. تعبد در همان مورد تعبد باقی می ماند و کم و زیاد نمی شود. مدرک أماره که بنای عقلاء و تایید شرع بود دیگر اختصاص به یک امر تعبدی ندارد تا بگوییم مثبتش اعتبار ندارد. فقط جاییکه اثر مستقیم باشد اعتبار دارد.

برای شما که این مطلب را گفتم بگویم که نسبت به حکم چهارماهه اتفاقاً و مِن حیث الاتفاق که از کلمه إجماع احتیاط می کنم، و مِن حیث العلم و مِن حیث النصوص و مِن حیث التحلیل مطلب کامل است و اشکالی برنخورده ایم.

اگر کمتر از چهار ماه بود چه می شود

که در متن آمده است اگر کمتر از چهارماه بود إحتیاط این است که آثار را مترتب کنیم. علامه حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید که در مورد طفل ساقط شده ای که قبل از چهارماه لوج پیدا نکرده باشد حکمی ندارد و غسلی و غسل مس میتی وجود نخواهد داشت. وهو مذهب العلماء كافة. این مطلب مورد توافق آراء هست بین علماءنا. [7]

کلام سیدالخوائی

سیدناالاستاد قدس الله نفسه الزکیه در همان منبع در این رابطه می فرماید که اگر چه طفل اگر قبل از چهار ماه باشد و ساقط بشود. احکام (غسل مس میت) را دارد یا ندارد مورد اختلاف است و می فرماید صحیح این است که غسل کسی میت ندارد. چرا؟ برای اینکه میت به او صدق نمی کند. میت به کسی صدق می کند در اصطلاح شرع و عرف خاص. یعنی عرف شرع. اصطلاح خاص یعنی نصوص. عرف شرع یعنی عرف فقهاء. در اصطلاح شرع و عرف خاص میت کسی است که روح داشته باشد و انفصال و جدایی روح می شود موجب مرگ و مردن و عنوان میت محقق می شود. این طفلی که فرض این است که قبل از چهارماه ولوج روح نشده است این دیگر صدق میت نمی کند. و به طور مشخص موضوع برای حکمی که در نظر داریم محقق نیست. موضوع چه بود؟ مس میت. مس میت نیست. بعد هم اضافه می فرمایند که این مطلب یک مؤیدی هم دارد و مؤیدش عبارت است از روایتی که شیخ صدوق قدس الله نفسه الزکیه نقل می کند. [8]

متن روایت: وبأسانیده عن محمد بن سنان، عن الرضا علیه السلام قال: وعلة اغتسال من غسل الميت أو مسه الطهارة لما أصابه من فضح الميت، لان الميت إذا خرج منه الروح بقي أكثر آفته، فلذلك يتطهر منه ويطهر. [9] در این حدیث سید با احتیاط با تعبیر مؤید آورده اند که دلیلش را هم می گوئیم. همین اسانید شیخ صدوق عن محمد بن سنان. حدیث 12 مانند حدیث 11 هست و همان اسانید را دارد وبأسانیده عن محمد بن سنان، عن الرضا علیه السلام قال: وعلة اغتسال من غسل الميت أو مسه الطهارة لما أصابه من فضح الميت، لان الميت إذا خرج منه الروح بقي أكثر آفته، فلذلك يتطهر منه ويطهر. ما این کلمه را کار داریم که لان الميت إذا خرج منه الروح. در طفلی که چهارماهش هست خرج منه الروح وجود ندارد. خرج منه الروح از چهارماهگی به بعد هست. بنابراین تا اینجا بحث معلوم شد که نص طفل ساقط شده ای که هنوز چهارماهه نشده غسل مس میت ندارد. روایت دلالتش کامل اما سید سندش را فرمود ویؤیّده ما رواه الصدوق في العلل عن ابن شاذان وعن محمد بن سنان عن الرضا (عليه السلام)

بررسی محمد بن سنان

روایت دلالتش کامل اما سید سندش را فرمود ویؤیّده ما رواه الصدوق في العلل عن ابن شاذان وعن محمد بن سنان عن الرضا (عليه السلام) سند را که دیدیم اسناد شیخ صدوق به فضل بن شاذان نیشابوری این اسناد توثیق نشده. در مشیخه که مراجعه کنید این اسناد تصحیح نشده است. اما اسناد شیخ صدوق به محمد بن سنان تصحیح شده است و جزء اسانید صحیح شیخ صدوق به محمد بن سنان هست منتهی این محمد بن سنان براساس مشهور بگوئیم یا مسلک أضعف الموجودین بگوئیم این محمد بن سنان اعتبار دارد اما براساس مسلک سیدناالاستاد محمد بن سنان اعتباری ندارد. چرا؟ چون در رجال گفته بودیم که موثقین چند دسته هستند. آن موثقینی که توثیقشان اعتبار دارد. یک دسته معروف که همان شیخ کشی و شیخ نجاشی هست. یکدسته موثقین غیرمعروف اند غیر مشهور اند ولی

توثیقشان اعتبار قطعی دارد که عبارت اند از خود شیخ مفید تا سید بن طاووس که از قدمات هست. سیدنالاستاد نظر شریفشان به ان توثیقات مشهور هست. این محمد بن سنان توثیقی از سوی موثقین مشهور ندارد لذا به این سند ایشان نظری دارند و روایت را مؤید می دانند اما محمد بن سنان توثیق دارد از سوی سید بن طاووس و بعضی از متاخرین. در صورتی که توثیق داشته باشد سند می شود معتبر و در عوض اینکه بگوییم این حدیث یؤید المطلوب بگوییم تدلنا علی المطلوب که سند هم درست و کامل بشود. این مطلب تا اینجا تمام.

نکته دیگر

نکته دیگر این است که ولو قبل تمام أربعة أشهر أيضاً که اشاره شد قبل از تمامیت أربعة أشهر روایاتی هست که گفته شده است در همین ابواب 19 و 20 و باب های بعدی ابواب غسل میت. که قبل از چهارماه هم غسل لازم هست اما آن روایات معرض عنها هست. در صورتیکه عمل أصحاب به این روایت باشد معرض عنها بودن آن روایان را هم از همین بیان امروز فهمیدیم. کجا بود؟ علامه حلی که فرمود قبل از چهارماه ترتیب اثر داده نمی شود علیه علمائنا که آن روایات می شود معرض عنها. مطلب تمام. متن آنچه که آورده است درست می باشد و کامل. ولا فرق في الميت بين المسلم والكافر والكبير والصغير ، حتى السقط إذا تم له أربعة أشهر، بل الأحوط الغسل بمسه ولو قبل تمام أربعة أشهر أيضاً . این أحوط را چرا اعلام می کنیم؟ براساس همان روایات، برای أحوط یک دانه روایت کافیهست. أحوط ما باید مدرک داشته باشد و أحوط همان روایات هست. وإن كان الأقوى عدمه . هر چند أقوى عدم غسل بوسیله مس طفل کمتر از چهار ماه هستش. این مطلب تمام.

مساله اول از مسائل مربوط به غسل مس میت

مسألة ١ : في الماس والممسوس لا فرق بين أن يكون مما تحله الحياة أو لا كالعظم والظفر ، وكذا لا فرق فيهما بين الباطن والظاهر ، نعم المس بالشعر لا يوجبه وكذا مس الشعر [10] المس بالشعر مس به شعر یعنی موی سر خودش مس کرده میت را یا مس شعر خودش موی میت را دست بگذارد. این اطلاق را فرمودند. چرا این مطلب را می گوییم؟ عمده ترین مستند ما در این مساله یک مطلب هست و آن اطلاق دلیل هست . اطلاق دلیل وجوب غسل مس میت عندالمس شامل همه این موارد می شود که فرق نمی کند میت فردی که حی هست ماس باشد یا ممسوس باشد آن شخص میت را لمس کرده یا اتفاقی افتاده مثلاً در حرکت تشییع یا تغسیل دست میت افتاده و خورده به دست یا بدن این شخص و ممسوس شده. و فرقی نمی کند که از مما تحله الحياة باشد یا مما تحله الحياة نباشد. منتهی باطن باشد یا ظاهر. باطن مثلاً کسی انگشتش را در دماغ یا دهن میت بگذارد. اینها ریزنگری های سید طباطبایی یزدی هست و در حوزه می کویند شما مثل سید یزدی طباطبایی ریزنگر باشید. دلیل اصلی ما در این رابطه اطلاق دلیل وجوب غسل مس میت عندمس الميت هست أضيف إلى ذلك اتفاق یا اجماع یا نصوص خاص و یک اشکالاتی که درباره عظم و لحم آمده است که شرحش انشالله فردا.

سلامتی آقا امام زمان صلوات ختم کنید.

-
- [1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص275.
- [2] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، ج1، ص370..و 371
- [3] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج1، ص30.
- [4] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج5، ص345.
- [5] التنقيح في شرح العروة الوثقى، الخوئي، السيد أبوالقاسم - الشيخ ميرزا علي الغروي، ج8، ص213.
- [6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص695، أبواب غسل الميت. باب: أن السقط إذا تم له أربعة أشهر غسل، وان تم له ستة أشهر فصاعدا فحكمه حكم غيره من الأموات، باب12، ج2، ط الإسلامية.
- [7] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، ج1، ص370.
- [8] التنقيح في شرح العروة الوثقى، الخوئي، السيد أبوالقاسم - الشيخ ميرزا علي الغروي، ج8، ص213..و 214
- [9] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص929، أبواب غسل المس. وجوب الغسل بمس ميت الآدمي بعد برده وقبل غسله وكراهة مسه حينئذ..، باب1، ج12، ط الإسلامية.
- [10] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج1، ص275.